



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۴۲۷۱

شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸



نقش ادوار تجاری در چگونگی اثرگذاری مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی (رهیافت NARDL)

نرگس احمدوند*^۱، محمد علیزاده**، محمدحسن فطرس***، محبوبه دلفان****
دانشجو دکتری اقتصاد بخش عمومی، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان،
خرم آباد، ایران.
** استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده
مسئول).
*** استاد تمام اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
**** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: J16, J21, E24, O55
تاریخ دریافت: ۲ آبان ۱۴۰۰	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری: ۲۹ بهمن ۱۴۰۰	امور اجتماعی و فرهنگی، ادوار تجاری، شاخص رفاه اجتماعی
تاریخ پذیرش: ۲۹ بهمن ۱۴۰۰	آمارتیا سن، NARDL.
ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:	آدرس پستی:
ایمیل: alizadeh_176@yahoo.com	لرستان، خرم آباد، دانشگاه لرستان، دانشکده مدیریت و
0000-0003-0026-9619 ^۱	اقتصاد، کد پستی: ۶۸۱۵۱-۴۴۳۱۶

اطلاعات تکمیلی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نرگس احمدوند در رشته اقتصاد به راهنمایی دکتر محمد علیزاده است.

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.
تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسندگان هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت تخصیص صحیح مخارج برای ارائه بهتر خدمات فرهنگی و اجتماعی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب در این حوزه‌ها برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه بر روی شاخص رفاه اجتماعی آماتیناس در طی ادوار تجاری در اقتصاد ایران است. این مطالعه از مدل خود توضیح غیر خطی با وقفه‌های گسترده (NARDL) جهت برآورد داده‌های سری زمانی در طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۵۲ بهره گرفته شده است. نتایج نشان دهنده آن است که شوک‌های مثبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در طی دوره‌های رکود و رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. شوک‌های منفی مخارج دولت نیز در فصول فرهنگ و هنر و آموزش در طی دوره‌های رکود و فصل رفاه اجتماعی در طی دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. همچنین، در شوک‌های منفی مخارج دولت امور اجتماعی و فرهنگی در طی ادوار تجاری و فصل سلامت در طی دوره‌های رونق موجب کاهش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. با در نظر گرفتن شوک‌های مثبت مخارج دولت، امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در دوره‌های رونق دارای اثرگذاری بیشتر بر روی رفاه اجتماعی هستند. این در حالی است که نتایج شوک‌های منفی مخارج دولت دلالت بر آن دارند که امور اجتماعی و فرهنگی و فصل آموزش دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رکود و فصول تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر رفاه اجتماعی هستند.

ارجاع به مقاله:

احمدوند، نرگس،، علیزاده، محمد، فطرس، محمد حسن و دلفان، محبوبه. (۱۴۰۳). نقش ادوار تجاری در چگونگی اثرگذاری مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی (رهیافت NARDL). فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۲۱(۴)، ۱۶۲-۱۲۲.

doi:10.22055/jqe.2022.38986.2429



© 2025 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

۱- مقدمه

با توجه به ایجاد عدم مطلوبیت برای برخی افراد در حالت بهینه پارتو، نیاز به حضور دولت‌ها با عنوان دولت رفاه در حال گسترش است. مسئولیت اصلی دولت‌های رفاه حفاظت از رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان است (Minhaj & Nishat, 2018). در این زمینه آمبیا و سجاروتو (۲۰۱۸) اظهار دارند سیاست‌های دولت در تخصیص صحیح منابع خود عاملی تعیین کننده در رشد، توسعه انسانی، کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی است (Ambia & Sujarwoto, 2018).

سیر تحول سیاست‌های دولت نشان از اهمیت اولویت‌بندی، نحوه و میزان تاثیرگذاری مخارج دولت بر روی رفاه اجتماعی دارد. تحولات مهم در سیاست‌های مربوط به تخصیص مخارج دولت در تمامی ابعاد اجتماعی آن را می‌توان به دهه ۱۹۵۰ میلادی نسبت داد. سیاست‌هایی که ابعاد آن شامل اقدامات و اصولی است که با ارائه خدمات درمانی و بهداشتی، آموزش، آب و فاضلاب و حمایت‌های اجتماعی رفاه انسان را تقویت می‌کنند. در دهه‌های اولیه توسعه، بخش عمده تخصیصات بودجه در زیرساخت‌ها و بخش‌های سخت تولید (کشاورزی در مقیاس بزرگ و غیره) بودند. بر اساس گزارشات بانک جهانی (۱۹۸۰) در دهه ۱۹۶۰ سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش فقط ۸ درصد از کل جریان‌های مالی دولت‌ها را تشکیل داد و تنها در دهه ۱۹۷۰ به حدود ۱۱ درصد رسید. به بخش‌های اجتماعی به عنوان بخش نرم‌تر برای توسعه اولویت کمتری داده می‌شد. در دهه ۱۹۸۰ و در دوره تعدیل ساختاری بودجه قابل توجهی به بخش‌های اجتماعی تعلق گرفت (Addison, Niño-Zarazúa, & Tarp, 2015). در همین دوره، از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۹۰ پیشرفت تدریجی در مورد تأثیر سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی، چه در سطح کلان اقتصادی و چه در سطح خرد صورت گرفت. سرانجام از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد تشویقی فزاینده برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی انجام شد. به طوری که، از طرف اقتصاد کلان، تئوری‌های اقتصادی شروع به برجسته نمودن اهمیت سرمایه‌گذاری انسانی برای رشد اقتصادی و رفاه کل کردند (Haile & Nino-Zarazua, 2018). علاوه بر این، با آغاز جهانی شدن در دهه ۱۹۸۰ آشکار شد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی از طریق سیاست‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش ثروت اقتصادهای فقیر در جهان کمک کند. تا دهه ۱۹۹۰ به

وسیله اقتصاددانانی همچون بارو^۱ (۱۹۹۱)، ربلو^۲ (۱۹۹۱)، بن حبیب و اسپیکل^۳ (۱۹۹۴)، بارو و ساللا-آی-مارتین^۴ (۱۹۹۸) این دیدگاه گسترده وجود داشت که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و بهداشت با ایجاد دانش تأثیرات عمیقی بر پیشرفت طولانی مدت اجتماعی و اقتصادی ملل دارد (Addison et al., 2015). بنابراین، اهمیت سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش اجتماعی که عمدتاً با تقویت توسعه انسانی متمرکز بوده با پیشرفت توسعه بشر تأثیرات مؤثری بر الگوهای بلندمدت رشد اقتصادی و نیز کاهش فقر گذاشت. در سال (۲۰۰۰) اهداف توسعه هزاره^۵ (MDGS) که اهداف مشخصی برای مقابله با فقر شدید و ترویج توسعه انسانی در برداشت تاسیس شد. از این اهداف می‌توان به آموزش با کیفیت، مراقبت‌های بهداشتی، آب و فاضلاب برای میلیون‌ها نفر با هدف کاهش نرخ مرگ و میر مادران و کودکان و افزایش نرخ ثبت نام مدارس نام برد (Sourya, Sainasinh, & Onphanhdla, 2018). همچنین، سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌ها جهت تسهیل دسترسی به بازارها و کاهش هزینه بالای معاملات و افزایش مشارکت بانوان فقیر از جمله این اهداف بود (WorldBank, 1990).

در ایران نیز اولین بار در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) دو اصل رونق کشاورزی و توسعه امور رفاه اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت و در روند برنامه‌ریزی کشور، اهداف اجتماعی در اولویت قرار گرفتند. در برنامه عمرانی ششم (۱۳۶۱-۱۳۵۷) وقوع انقلاب، امکان تصویب و اجرا برنامه‌های مربوط به توسعه کشور را نداد. بعد از انقلاب، در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) بیشترین اعتبار در امور اجتماعی به آموزش و پرورش عمومی، بهداشت و درمان، و تغذیه اختصاص یافت. در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی، بیشترین سهم از اعتبارات مربوط به امور اجتماعی را دریافت کردند. همچنین، در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به مواردی مانند نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها و سیاست‌های بهداشت و درمان، تأمین مسکن، حفاظت محیط زیست و آموزش عالی در قالب فصول جداگانه اشاره شد. در

¹ Barro, R.

² Rebelo, S.

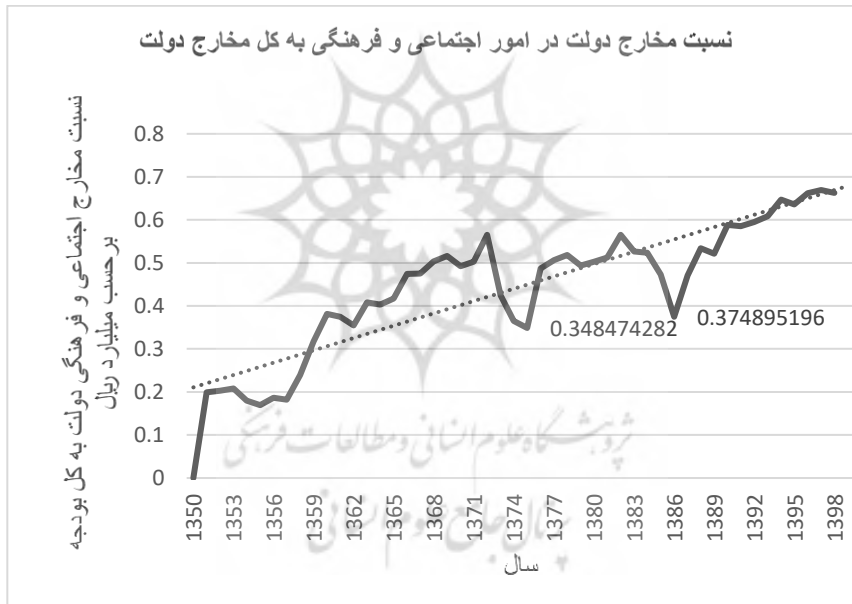
³ Benhabib, J., & Spiegel, M.M.

⁴ Barro, R., & X. Sala-I-Martin

⁵ The Sustainable Development Goals

برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) نیز قلمروهای کیفیت زندگی از سه جنبه نیازهای اساسی (تغذیه، مسکن، آموزش و بهداشت)، نیازهای محیطی (محیط زیست و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) و نیازهای حمایتی (تأمین اجتماعی و اوقات فراغت) مورد توجه قرار گرفتند (Ghaffari & Omid, 2011).

بر اساس **نمودار ۱** در طی دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۹۸ نسبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به کل بودجه دولت به طور کلی روندی افزایشی داشته است. اما در طی دوره زمانی مذکور در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۶ دچار کاهش شدید شده است. به طوری که مقدار آن در این سال‌ها به ۰/۳۴۸۴۷۴۲۸۲ و ۰/۳۷۴۸۹۵۱۹۶ میلیارد ریال رسیده است.



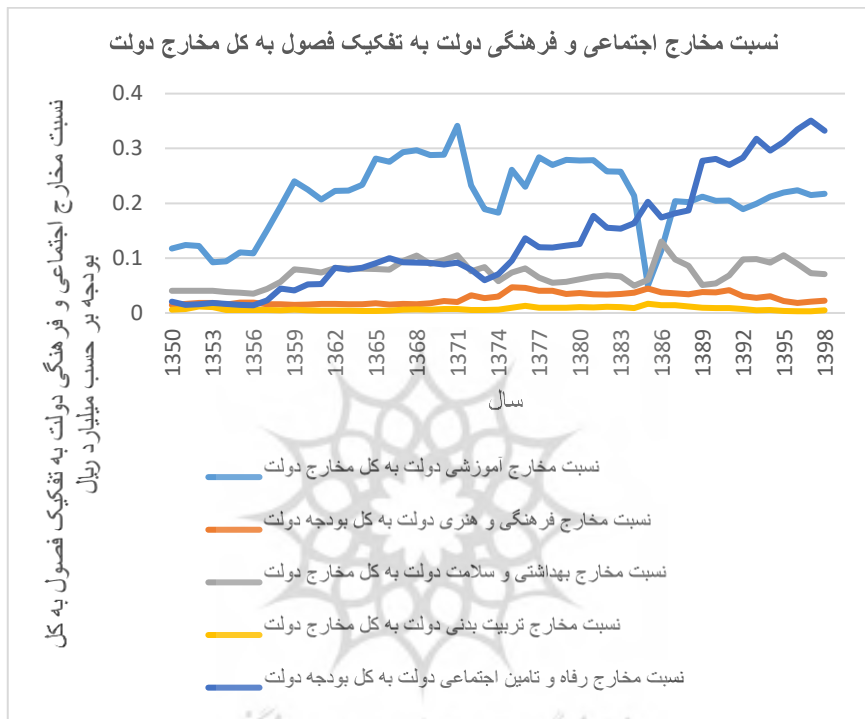
نمودار ۱. نسبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به کل مخارج دولت در طی دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۹۸
مأخذ: وزارت اقتصاد و دارایی

Figure 1. The ratio of government expenditures in social and cultural affairs to total government spending in the period 1973-2019

Source: Ministry of economic affairs and finance

بر اساس **نمودار ۲** در امور اجتماعی و فرهنگی در ابتدا بیشترین بودجه دولت به ترتیب به فصول آموزش، بهداشت و سلامت و رفاه و تأمین اجتماعی اختصاص یافته است. اما در سال ۱۳۸۶ با افت

بسیار شدید مخارج دولت در فصل آموزش، فصل رفاه و تامین اجتماعی در اولویت تخصیص بودجه دولت قرار گرفته است.



نمودار ۲. نسبت مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت به تفکیک فصول به کل مخارج دولت در طی دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۵۲

مأخذ: وزارت اقتصاد و دارایی

Figure 2. The ratio of government social and cultural expenditures to government expenditures total in the chapters during the period 1973-2019

Source: Ministry of economic affairs and finance

در کنار روند تخصیص بودجه دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی، دولت‌های محتاط همواره درصد بوده نسبت مخارج به تولید ناخالص داخلی را ثابت نگه دارند. به طوری که مخارج خود را در طی دوران رونق به کندی افزایش داده و از کاهش سریع مخارج در دوران رکود امتناع کنند (Ghasemi & Mohajeri, 2015). به عبارت دیگر، دولت‌ها در پی اعمال سیاست‌های ضدادواری برای کاهش نوسانات اقتصادی و ایجاد ثبات در جامعه جهت تحقق

اهدافی همچون افزایش رفاه اجتماعی بوده‌اند. بنابراین، شناخت ساختار ادوار تجاری نخستین گام برای کنترل و کاهش شدت نوسانات است. در این زمینه لوکاس (۱۹۹۷) بیان می‌کند شناخت و درک ادوار تجاری اولین گام در طراحی مناسب سیاست‌های تثبیت است (Lucas, 1988). اما بر اساس برخی از مطالعات تجربی از جمله صمدی و اوجی مهر (۲۰۱۲) مخارج دولت در ایران به شکل موافق ادواری بوده و این امر موجب تشدید نوسانات اقتصادی و کاهش رفاه به خصوص در سال‌های اخیر شده است. بر اساس مطالعات احمدوند و همکاران (۱۳۹۹) از سال ۱۳۸۶ به بعد روند شاخص رفاه اجتماعی آمارتیاسن در کشور نزولی شده به طوری که در سال ۱۳۹۸ به کمترین میزان خود در ۳۰ سال اخیر رسیده است (Ahmadvand, Alizadeh, Fotros, & Delfan, 2020). بنابراین، برای تحقق عدالت اجتماعی، دولت باید اقدامات مؤثر و مفیدی را در زمینه ساماندهی تصمیمات و اولویت‌های سیاست‌های خود با تقریبی از حجم و ترکیب هزینه‌های اجتماعی در طی ادوار تجاری بدست آورد.

با توجه به عدم پژوهش لازم در زمینه اثرات غیرخطی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و فصول مربوطه بر روی رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری ایران، این هدف، موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است. به کارگیری مدل خود رگرسیون غیر خطی با وقفه‌های توزیعی برای بررسی اثرگذاری مخارج دولت در طی ادوار تجاری برای امور اجتماعی و فصول مربوط به آن از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر است. بر این اساس، پژوهش به پنج بخش تنظیم شده است. در بخش اول پس از بیان مقدمه، مبانی نظری در ارتباط با دخالت دولت و نقش آن در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم به پیشینه پژوهش پرداخته شده و در بخش چهارم، الگوی اقتصادسنجی و یافته‌ها ارائه شده است. در نهایت بخش پایانی، به بحث و پیشنهادات اختصاص داده شده است.

۲- مبانی نظری

تین برگن (۱۹۹۱) رفاه اجتماعی را بهره‌مندی از شرایط توصیف می‌کند (Tinbergen, 1991) پنا (۱۹۹۷) رفاه اجتماعی را نتیجه یک سری شرایط عینی، مادی و ادراکات یا تصورات ذهنی مرتبط با اولویت‌های افراد توصیف می‌کند (Pena, 1977). در دهه‌های اولیه توسعه، رفاه

اجتماعی به عنوان یک پدیده‌ی یک بعدی تلقی می‌شد. با این حال، در حدود دهه (۱۹۶۰)، جنبش شاخص‌های اجتماعی، رفاه اجتماعی را مقوله‌ای چند بعدی بیان کرد-Zarzosa (Espina & Somarriba-Arechavala, 2012). نول (۲۰۰۲) در این زمینه بیان می‌کنند رفاه اجتماعی به عنوان مفهومی چند بعدی، نه تنها مسائل اقتصادی همچون درآمد سرانه، بلکه سایر مسائلی نظیر بهداشت، مسکن، تحصیل، اشتغال، محیط زیست و غیره را به عنوان عوامل ضروری برای ارزیابی رفاه فردی در یک جامعه در بر می‌گیرد (Noll, 2002). گانلی و ترانو^۶ (۲۰۱۶) در زمینه اثرگذاری مخارج دولت بر روی رفاه اشاره بر جانشینی مصرف و فراغت دارند. آن‌ها این گونه بحث می‌کنند که خانوارها در پاسخ به افزایش ثروت ایجاد شده ناشی از مخارج دولت و با توجه به قابلیت جانشینی بین مصرف و میزان مصرف بیشتری را اختیار می‌کنند و از این طریق رفاه خود را افزایش می‌دهند (Ashrafi, Salimifar, Adeli, & Tavaklian, 2018).

از نظر چمینگوی^۷ (۲۰۰۵) اگر مخارج دولت به حوزه‌های آموزش و پرورش و بهداشت هدایت شود، بهره‌وری کل عوامل افزایش و در نهایت کل اقتصاد تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. به گونه‌ای که سود حاصل از بهره‌وری کل عوامل به بهبود سرمایه انسانی، پیشرفت در درآمد و رفاه منجر می‌شود (Odior, 2014). اومودرو (۲۰۱۹) در زمینه آموزش خاطر نشان می‌کند، آموزش با شناسایی توانایی و پناسیل افراد، آن‌ها را در معرض فرصت‌ها قرار داده که این امر به کاهش فقر در یک کشور منجر می‌شود. همچنین، وی بیان می‌کند، بر اساس گفته‌ی رایج مبنی بر اینکه "دانش قدرت است"، نتیجه می‌گیرد که دانش از طریق آموزش به دست می‌آید و یک فرد دانشمند نمی‌تواند فقیر باشد (Omodero, 2019).

جانسون و همکاران (۲۰۰۹) نقش آموزش در افزایش ارزش و کارایی نیروی کار در راستا ایجاد فرصت‌های شغلی را مهم برشمارده‌اند (Janson, Mango, Krishna, Rademy, & Johnson, 2009). دابلا نوریس و همکاران^۸ (۲۰۱۵) بهبود مدارک تحصیلی، رفع موانع مالی برای آموزش کشورهای ثالث و حمایت از برنامه‌های کارآموزی را عواملی برای بهبود کیفیت سیستم آموزش و پرورش، افزایش دستمزدها و کاهش نابرابری درآمد

⁶ Ganelli, G., & Tervala, J.

⁷ Chemingui, M.A.

⁸ Dabla-Norris, E., Kochhar, K., Ricka, F., Suphaphiphat, N., & Tsounta, E.

شناسایی کردند (Ionu, 2018). کارتاسامیتا^۹ (۱۹۹۶)، جینگان^{۱۰} (۲۰۰۰)، تودارو و اسمیس^{۱۱} (۲۰۱۱) بر آموزش و پرورش برای ایجاد مهارت و اعتماد به نفس در افراد جهت جذب فناوری‌های نوین و ایجاد ظرفیت برای رشد و توسعه پایدار برای یک کشور تأکید داشته‌اند (Ambia & Sujarwoto, 2018). در زمینه بهداشت و درمان اوریاوته و اکاوه (۲۰۱۸) به اهمیت افزایش مخارج دولت در بخش سلامت برای کاهش هزینه‌های بهداشتی فقرا و افزایش درآمد سرانه جهت توانایی در آن‌ها به عنوان نیروی کار سالم برای به کارگیری فعالیت‌های مولد اشاره دارند (Oriavwote & Ukawe, 2018). در این زمینه اصغر و همکاران (۲۰۱۲) پیشرفت در حوزه سلامت را منجر به افزایش امید به زندگی و ایجاد فرصت‌های کسب درآمد می‌داند (Asghar, Hussain, & Rehman, 2012). شیل-آدلونگ و همکاران (۲۰۰۶) نیز بر بهداشت و درمان به عنوان عاملی برای کاهش شکاف فقر اشاره داشته و بیان می‌کنند بیشتر خانوارها به دلیل ضعف در سلامت و بهداشت در فقر گنجانده شده‌اند (Scheil-Adlung et al., 2006). اودونل و همکاران (۲۰۱۳) در ارتباط با اهمیت حوزه سلامت بیان می‌کنند، افرادی که از بیماری‌های خاص رنج می‌برند به دلیل پایین‌تر بودن بهره‌وری‌شان نسبت به سایر افراد از دستمزد کمتری بهره‌مند بوده که این امر باعث افتادن این دسته افراد در تله فقر می‌شود (ODonnell, vanDoorslaer, & vanOurti, 2013).

در کنار تاثیرات مستقیم و مثبتی که مخارج آموزشی و بهداشتی بر روی فقر می‌گذارد، آنچه که حائز اهمیت است هدف قرار دادن فقرا برای دریافت این مخارج می‌باشد (Claus, Martinez-Vazquez, & Vulovic, 2012). تحقیقات بانک جهانی (۱۹۹۰) به روشنی نشان داده است که بیشتر یارانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت اگرچه مترقی هستند و نابرابری درآمد را کاهش و موجب رفاه بیشتر افراد شده اما به خوبی به فقرا اختصاص نمی‌یابند. از سوی دیگر میزان تاثیر گذاری مخارج آموزش عمومی بر روی فقر با سطح خدمات آموزشی متفاوت است. مخارج دولت برای دوره آموزش ابتدایی و شاید دوره متوسطه به نفع فقرا بوده و رفاه آن‌ها را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، مخارج عمومی در

^۹ Kartasasmita, G.

^{۱۰} Jhingan, M.L

^{۱۱} Todaro, M.P., & Smith, S.C.

آموزش عالی یا سطح دانشگاه به طور معمول به سود ثروتمندان است و منجر به نابرابری بیشتر و کاهش رفاه اجتماعی فقرا می‌شود. مخارج دولت در حوزه بهداشت نیز بسته به نوع برنامه‌ها متفاوت است. هزینه‌های عمومی برای مراقبت‌های اولیه به نفع فقرا بوده و توزیع درآمد و رفاه اجتماعی را بهبود می‌بخشد. مخارج عمومی در مورد انواع پیشرفته‌تر مراقبت‌های بهداشتی به نفع ثروتمندان بوده و توزیع درآمد را نابرابرتر و رفاه اجتماعی فقرا را کاهش می‌دهد (Claus et al., 2012).

سیاست‌های عمومی در بخش حمایت‌های اجتماعی نیز می‌تواند تأثیرات عمیقی بر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ملت‌ها داشته باشد. در این زمینه هولم و همکاران (۲۰۱۲) عنوان می‌کنند، حمایت‌های اجتماعی دولت به طور مستقیم از طریق افزایش کارایی اقتصادی به افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و افزایش رفاه افراد منجر می‌شوند (Hulme, Hanlon, & Barrientos, 2012).

در سرتاسر جهان مخارج اجتماعی دولت برای محافظت از شرایط زندگی از طریق ایجاد درآمد پایدار، جلوگیری از فقر، نابرابری درآمد، محرومیت‌های اجتماعی و حاشیه نشینی انجام می‌شود. در این زمینه تامین اجتماعی از دو کانال بیمه تامین اجتماعی و سیستم کمک‌های اجتماعی منافع را برای یک طبقه خاص اجتماعی قائل می‌شود. (۱) خانواده‌هایی که فرزندان‌شان فارغ از درآمد هستند. (۲) افراد بیکار و بازنشسته. (۳) گروه‌های خاص (معلول و سالخورده) و افرادی که دارای درآمد کمتر از حداقل معیشت هستند (Lindert, 2002). در این نوع ابزارهای حمایت اجتماعی از آنجا که تامین مالی جهت پرداخت‌ها از طریق همه گروه‌های درآمدی تامین می‌شود، بر توزیع درآمد و رفاه تأثیر می‌گذارد. این نوع از سیاست‌های حمایتی، علاوه بر مزایای مثبت که می‌توانند بر روی رفاه افراد داشته باشند می‌توانند تأثیرات منفی را هم بر جای بگذارند. در سیستم بیمه تامین اجتماعی، در صورتی که گروه‌های با درآمد بالا، از طریق مکانیسم قیمت و سهام تامین مالی سیستم را به افراد کم درآمد منعکس کنند نابرابری در درآمدها افزایش و این امر منجر به کاهش رفاه افراد فقیر خواهد شد. همچنین، این مزایای اجتماعی می‌تواند با کاهش میل به کار افراد و افزایش بیکاری، فقر و نابرابری را افزایش و رفاه را کاهش دهد (Ilker, 2018). متاثر بودن اقتصاد و بالطبع رفاه افراد متاثر از رفتار اقتصادی آن‌ها بوده است. صالحی نیا و همکاران (۱۳۸۹) رفتار اقتصادی افراد را متاثر از رفتار فرهنگی می‌دانند. اگر فرهنگ موجود در يك منطقه به افراد آن منطقه احساس راحتی بدهد در آن صورت

استعدادهای، توانمندی‌ها و سرمایه‌گذاری در تکنولوژی در آن منطقه انباشته خواهند شد. در نتیجه پیوند میان ترجیحات، فرهنگ و نوآوری موجب به حرکت درآمدن موتور رشد اقتصادی می‌شود (Salehnia, Dehnavi, & Haghnejad, 2010). همانطور که رومر (۱۹۹۲) در مدل رشد درونزای خود فناوری را عامل رشد اقتصادی بر می‌شمارد. از این رو، تاثیر سرمایه‌گذاری مخارج دولت در فرهنگ و هنر ارتباط مستقیمی با رفتار مثبت اقتصادی افراد و در نتیجه رشد، توسعه و رفاه اجتماعی دارد. رسانه‌های جمعی نیز به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در فرهنگ نقش مهمی در دسترسی آزاد به اطلاعات، فراگیر کردن دانش، افزایش شفافیت و عملکرد اقتصادی مردم برای تخصیص بهتر و کاراتر منابع شده و این امر موجبات کاهش فقر و افزایش رفاه افراد را فراهم می‌کند (Haghverdi, 2009). هافنر و همکاران (۲۰۱۹) نقش تربیت بدنی در رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی افراد را حائز اهمیت بر شمرده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند، افزایش فعالیت‌های جسمی موجب کاهش هزینه‌های بهداشتی برای دولت، افزایش امید به زندگی افراد و سلامت آنان به عنوان نیروی کار سالم جهت بهبود سطح کیفی زندگی می‌شود (Hafner et al., 2019).

بنابراین، با نگاه به مطالعات صورت گرفته در زمینه تخصیص مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصل‌های مربوط به آن به دیدگاه‌های متفاوت در زمینه اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و زیر فصل‌های مربوط به آن بر روی رفاه اجتماعی می‌توان پی‌برد. این امر خود تاییدی برای وجود رابطه غیرخطی بین اجزای مخارج دولت در امور اجتماعی و متغیر رفاه اجتماعی در طول زمان است.

نقش ادوار تجاری در شکل‌گیری این رابطه غیرخطی به خصوص در کشورهای در حال توسعه قابل تامل است. همچنین، خصوصیت وقفه در تاثیرگذاری سیاست‌های مالی، مسئله حضور ادوار تجاری را هنگام بررسی کارایی سیاست‌های مالی حائز اهمیت می‌نماید. به طوریکه ممکن است سیاست اعمال شده برای دوره رکود (سیاست مالی انبساطی) به دلیل وجود وقفه در دوره رونق بر اقتصاد اثرگذار باشد (Gholami & HojbarKiani, 2014). به عبارت دیگر، سیاستی که برای ثبات اقتصادی (رفتار ضد ادواری) برنامه‌ریزی شده بود موجب رفتار موافق ادوار تجاری شود. کیدلند و پرسکات^{۱۲} (۱۹۷۷) در این زمینه تأکید می‌کنند

¹² Kydland, F.E. & Prescott, E.C.

که مسئله تأخیر زمانی باعث کاهش اثر بخشی سیاست‌های مالی اختیاری برای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی از جمله اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی می‌شود. براین اساس، همواره سیاست‌های مالی به عنوان ابزارهای قدرتمند و در عین حال خطرناک در دست دولت‌ها تعبیر می‌شوند (Zaer & Gholami, 2008). برای مثال در مطالعات زارعی و همکاران (۱۳۹۸) وقفه و شدت اثرگذاری مخارج دولت در طی ادوار تجاری متفاوت بوده و سیاست‌های مالی دولت با ایجاد رفتاری موافق چرخه‌ای به عنوان عامل بی ثباتی اقتصادی بر شمرده شده است (Zarei, Ebrahimi, & Hematy, 2019). علاوه بر مسئله تأخیر زمانی اقتصاددانان چندین فاکتور دیگر را در اعمال یک سیاست موافق ادواری مهم ارزیابی می‌کنند. یولکو کارادام و همکاران (۲۰۱۶) وجود اثرات برون‌رانی^{۱۳} در مصرف، سرمایه‌گذاری، آموزش و سلامت را عاملی در کاهش کارایی اقتصادی سیاست‌های مالی بر می‌شمارند (YolcuKaradam, Yildirim, & Öcal, 2016). همچنین، اثرگذاری ناچیز و یا موافق ادواری هزینه‌های دولت به ماهیت مخارج دولت برمی‌گردد. به طوری که، تشکیل سرمایه‌های ثابت برای مثال مخارج دولت در ساخت مدرسه، بیمارستان و غیره دارای ماهیت بلندمدت بوده و در طی ادوار تجاری اقتصاد که ماهیت کوتاه مدت داشته، باعث اثرات غیرمولد مخارج دولت و شکل‌گیری رفتار موافق ادواری می‌شوند (Joharji & Starr, 2011). تالوی و وگ^{۱۴} (۲۰۰۵)، کامینسکی و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۴) دلیل عمده اثرات غیرمولد مخارج دولت و در نتیجه شکل‌گیری رفتار موافق ادواری را در ارتباط با نوسان‌های بالای پایه‌های مالیاتی، بخش غیررسمی بزرگ در اقتصاد و همچنین، عرضه اعتبار عنوان می‌کنند. زیرا در شرایط سخت رکود، دولت نمی‌تواند از راه استقراض از بخش خصوصی تامین مالی کند و اگر هم بتواند، با نرخ بهره خیلی بالا امکان‌پذیر است. بنابراین، دولت برای مدیریت کسری بودجه مجبور به کاهش مخارج است. در حالی که در شرایط رونق دولت اقدام به استقراض زیاد می‌کند و مخارج را می‌افزاید. اما آلسینا و تبلینی^{۱۶} (۲۰۰۵) به دو دلیل این علت را ناقص می‌دانند و پدیده رفتار موافق چرخه‌ای سیاست‌های مالی دولت

¹³ Crowding Out Effect

¹⁴ Talvi, E., & Vegh, C. A.

¹⁵ Kaminsky, G. L., Reinhart, C. M., & Végh, C. A.

¹⁶ Alesina, A., & Tabellini, G.

در این کشورها را بر مبنای اقتصاد سیاسی تفسیر می‌کنند. پرسش نخست آن است که چرا در کشورهای در حال توسعه در شرایط رونق ذخیرهٔ انباشت صورت نمی‌گیرد تا در شرایط رکود با محدودیت استقراض مواجه نشوند؟ و پرسش دوم، آنکه چرا بخش خصوصی در این کشورها به رغم اطلاع از اینکه قرض به دولت در شرایط رکود می‌تواند بهینه باشد، از دادن قرض به دولت امتناع می‌کند؟ به نظر آنها علت مهم پدیده رفتار مالی موافق چرخه‌ای دولت مسئلهٔ کارگزاری (نماینده‌گی) سیاسی است. رای دهندگان ممکن است با دولت‌های فاسدی مواجه باشند که بخشی از درآمدهای مالیاتی را صرف مصارف عمومی غیرمولد یا رانت‌های سیاسی در مسیر علایق دولت می‌کنند. این مسئله به دلیل نبود تقارن اطلاعات است، زیرا رأی دهندگان وضعیت اقتصادی را مشاهده می‌کنند ولی شرایط دولت را به خاطر غیرشفاف بودن ناترازی‌های بودجه نمی‌بینند. بنابراین، رأی دهندگان در شرایط رونق اقتصادی، بیشترین مطلوبیت را برای خود به شکل کاهش مالیات و کالاهای عمومی بهتر تقاضا می‌کنند که به مخارج دولت فشار می‌آورد و به استقراض بیشتر دولت، ایجاد نوسانات اقتصادی و در نتیجه آن توزیع نامناسب منابع و کاهش رفاه منجر می‌شود. نکته مهم آن است که رفتار موافق چرخه دولت نه به علت تقاضای غیرعقلایی رأی دهندگان، بلکه بر اساس اطلاعات ناقص آن‌ها نسبت به سیاست‌های اقتصادی است که در شرایط فساد اقتصادی و نبود شفافیت سیاسی، به عنوان راه حل بهینه دوم، به جای تغییر دولت، تقاضاهای خود را افزایش داده شکل می‌گیرد (Saedi Sarkhanlou & Dargahi, 2021). بنابراین، در نظر گرفتن ادوار تجاری در تخصیص منابع مالی دولت امری ضروری جهت کاهش نوسانات اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی تلقی می‌شود.

افزون بر اهمیت مخارج اجتماعی و فرهنگی دولت بر رفاه اجتماعی، باید به شناخت سایر عوامل تاثیر گذار بر رفاه اجتماعی نیز پرداخت. با افزایش تورم، درآمد نسبی افرادی که قراردادهای کاریشان را بر اساس تغییر قیمت‌ها تعدیل می‌کنند نسبت به گروهی که قراردادهایشان را تعدیل نمی‌کنند افزایش می‌یابد و بر این اساس توزیع درآمد نابرابرتر و در پی آن رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد (Bulir, 2001). آزاد سازی تجاری می‌تواند از طریق افزایش توان تولیدکنندگان داخلی در دستیابی به تکنولوژی‌های جدید و نهاده‌های تولید و همچنین کاهش هزینه‌های ارتباطی میان صادرکنندگان و واردکنندگان کالاها بر رشد اقتصادی و کاهش فقر اثر مثبت داشته باشد (McCulloch, Winter, & Cirera,

2003). تاثیر مثبت نرخ شهرنشینی بر رفاه اجتماعی نیز مرتبط با جاذبه‌های بیشتر شهر برای روستائیان از جمله فرصت‌های شغلی بهتر، دستیابی به درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی، فعالیت‌های فرهنگی، بستر مناسب برای رشد خلاقیت‌های فردی و اجتماعی، شرایط خوب محیط کار و زندگی همانند مسکن و خدمات رفاهی و فرصت‌های کسب آموزش‌های حرفه‌ای می‌باشد (ShamsAldini & Gorjian, 2010). کی نایت و سبوت^{۱۷} (۱۹۸۳) اثر آموزش بر روی نابرابری درآمد و در نتیجه رفاه اجتماعی را بستگی به برآیند دو اثر ترکیبی^{۱۸} و فشار دستمزد^{۱۹} می‌دانند. اثر ترکیبی اشاره بر این دارد که افزایش سواد در افراد آموزش دیده موجب افزایش دستمزد در این دسته از افراد شده که این امر موجب افزایش نابرابری و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، بر مبنای اثر فشار دستمزد اگر هم زمان با افزایش نسبی در عرضه نیروی کار آموزش دیده در مقایسه با نیروی کار تحصیل نکرده، پاداش آموزش یعنی دستمزد کاهش یابد، نابرابری درآمد کاسته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد (Knight & Sabot, 1983).

۳- پیشینه پژوهش

هالیه و نینو زارزوا (۲۰۱۸) با استفاده از داده‌های پانل از ۵۵ کشور با درآمد پایین و درآمد متوسط و بهره‌گیری از روش‌های حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای (2SLS)، اثرات ثابت (FE)، سیستم گشتاورهای تعمیم یافته (SGMM) در طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۹ نشان دادند مخارج اجتماعی دولت در آموزش و تامین اجتماعی به ترتیب دارای تاثیر مثبت، منفی و غیر معنادار بر روی شاخص توسعه انسانی هستند. در حالی که، در فصل سلامت این اثرگذاری مثبت و معنادار بوده است (Haile & Nino-Zarazua, 2018).

انیسان اکیللو و اولایمی جمیلوی (۲۰۱۸) با استفاده از روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی (NARDL) و رویکردهای علیت در طی دوره زمانی ۱۹۶۰-۲۰۱۲ به بررسی اثرات غیر خطی رشد اقتصادی بر مخارج دولت می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهند اثرگذاری کاهنده رشد اقتصادی بر مخارج دولت بیشتر از اثرگذاری کاهنده رشد اقتصادی

¹⁷ Knight, J., & Sabot, R.H.

¹⁸ Composition effect

¹⁹ Wage Compression Effect

بوده است. به عبارت دیگر، مخارج دولت مرتبط با دوره‌های رکود و رونق اقتصادی بوده و اثراتی که ادوار تجاری بر روی مخارج دولت می‌گذارند متفاوت است (Enisan Akinlo & Olayemi Jemiluyi, 2018).

اوریاوته و اکاوه (۲۰۱۸) با استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی (OLS)، مدل تصحیح خطا (ECM) و تکنیک‌های علیت گرنجری در طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۶ نشان دادند افزایش مخارج دولت در بهداشت، آموزش و ساخت و ساز موجب افزایش درآمد سرانه و افزایش رفاه شده و این افزایش در بخش بهداشت محسوس‌تر بوده است. همچنین رابطه علیت میان هزینه‌های دولت و ساخت و ساز وجود ندارد (Oriavwote & Ukawe, 2018).

مینهاج و نیشات (۲۰۱۸) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) در طی دوره زمانی ۱۹۷۲-۲۰۱۷ در پاکستان نشان دادند مخارج دولت در بخش اجتماعی، بهداشت و آموزش و پرورش ارتباط معناداری با متغیر رفاه فردی یعنی درآمد سرانه دارند. همچنین، مخارج دولت در آموزش و پرورش و بهداشت به ترتیب دارای اثرات مثبت، منفی و معنادار بر روی اشتغال هستند. سایر مؤلفه‌های مخارج دولت نیز تاثیر قابل توجهی بر روی اشتغال نداشته‌اند (Minhaj & Nishat, 2018).

دوپکه و زیلیبوتی (۲۰۱۳) با استفاده از مدل رشد درونزای رومر نشان دادند ترجیحات افراد در ایجاد روح سرمایه داری و فناوریانه موجب پیشرفت سریع‌تر افراد در جامعه می‌شود (Doepke & Zilibotti, 2013).

گران‌دو و همکاران (۲۰۱۳) با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۵۰ کشور در حال توسعه و توسعه یافته در طی دوره زمانی ۱۹۸۷-۲۰۰۷ نشان دادند هزینه‌های اجتماعی در بخش آموزش و بهداشت دارای عدم تقارن بوده و در دوره رکود دارای رفتار ضد ادواری و در دوره رونق دارای رفتار موافق ادواری بوده است (Granado, Arze, & Hajdenberg, 2013).

فورکری و زدینیکا (۲۰۱۰) با استفاده داده‌های پانل و با لحاظ اثرات ثابت (FE) سال و کشورها با کاربردی از برآوردگر ساندویچ^{۲۰} ماتریس کواریانس برآورد شده مرحله دوم

²⁰ Sandwich Estimator of the Estimated Covariance Matrix of the Second-step

برای کشورهای عضو (OECD) با استفاده از مدل رشد درونزای رومر در طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۵ نشان دادند مخارج اجتماعی در حوزه‌های پیری، ناتوانی جسمی، بهداشت خانواده، برنامه‌های بازار کار، مزایای بیکاری، مسکن تأثیرات گسترده و مثبتی بر تولید ناخالص داخلی دارد. این اثر در دوره‌های رکود شدید بیشتر است. همچنین، در میان هزینه‌های اجتماعی مخارج مربوط به بهداشت و مزایای بیکاری بیشترین تأثیر را بر تولید ناخالص داخلی دارد (Furceri & Zdzienicka, 2010).

مکیان و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری ساختاری در طی دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۵۲ به بررسی وضعیت چرخه‌ای بودن سیاست‌های پولی و مالی در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان دادند سیاست‌های پولی و مالی در ایران رفتاری مستقل از چرخه‌ها داشته و به تثبیت اقتصادی کمک می‌کنند (Makiyan, Samadi & Amareh, 2022).

موتمنی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۵ و با بهره‌گیری از داده‌های فصلی به بررسی اثر نامتقارن تولید بر بیکاری پرداخته‌اند. نتایج نشان دادند اثر فزاینده و کاهنده تولید غیرنفتی بر روی بیکاری متفاوت است. همچنین، اثر کاهنده تولید بیشتر از اثر فزاینده تولید بر بیکاری بوده است (Motameni, 2020) Jafari Samimi & Zaroki.

سلیمی فر و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۲ به بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر سه بعد رفاه شامل درآمد و شاخص‌های فقر، رفاه آماریتاسن و توسعه انسانی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است، مخارج دولت در بخش بهداشت، آموزش و تامین اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش شاخص‌های رفاهی دارند. لازم به ذکر است که مخارج دولت در بخش آموزش، آموزش عالی اثر معناداری بر روی شاخص‌های رفاهی نداشته است.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه نشان دادند مخارج موزون دولت در این امور برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مثبت بوده اما این ضریب در کشورهای در حال توسعه بی معنا می‌باشد. در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه اثرگذاری فصول آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی مثبت است. در فصل تامین مسکن مخارج دولت در کشورهای توسعه یافته دارای اثرگذاری مثبت و در کشورهای در حال

توسعه دارای اثرگذاری منفی است. در فصل فرهنگ عمومی مخارج دولت در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه دارای اثرگذاری منفی است (Salimifar, Davoodi, & Arabi, 2015)

رشیدی خرسند (۱۳۸۹) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان^{۲۱} در طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷ در ایران نشان داده است کل مخارج عمومی بودجه دولت اثر مثبت و معنی داری بر روی رشد اقتصادی داشته است. همچنین، نتایج بررسی تاثیر جداگانه مخارج امور چهارگانه (امور اقتصادی، امور اجتماعی، امور عمومی و امور دفاعی) نیز نشان دادند که از بین امور مذکور مخارج امور اجتماعی اثر منفی بر روی رشد داشته است. تاثیر مخارج اجتماعی در هر یک از زیر فصل‌ها اثرات متفاوتی بر روی رشد اقتصادی داشته اند (RashidiKhorsand, 2010).

حسینی و همکاران (۱۳۸۷) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان در قالب مدل رشد بارو در طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷ نشان دادند در اقتصاد ایران کل مخارج بودجه عمومی دولت اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی داشته است. مخارج امور اجتماعی تأثیر منفی بر این روند در کشور دارد. از ۱۳ فصل مربوطه به امور اجتماعی، فصل‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و تغذیه، تامین اجتماعی و بهزیستی، تربیت بدنی و امور جوانان، عمران و نوسازی روستاها، مسکن، آموزش عالی دارای اثر مثبت و فصل‌های فرهنگ و هنر، عمران شهرها، حفاظت از محیط زیست دارای اثر منفی بر روی رشد بوده‌اند. به استثنای فصول بهداشت، درمان و تغذیه و آموزش عالی سایر ضرایب معنادار نبوده‌اند (Hosseini, Abdi, Gheibi, & Fadaei, 2008).

خانزادی و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از داده‌های پانل در طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۴ نیز به رابطه مثبت مخارج بهداشتی دولتی، مخارج آموزشی و نرخ شهرنشینی و رابطه منفی مخارج بهداشتی خصوصی بر روی شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری از رفاه دست یافتند (Khanzadi, Fattahi, & Moradi, 2015).

خداویسی و عزتی شورگلی (۱۳۹۷) با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری ساختاری (SVAR) در قالب مدل تغییر جهت مارکوف (MSAR) با استفاده از داده‌های

²¹ Simultaneous Equation Methods

فصلی ایران طی دوره زمانی ۱۳۶۹-۱۳۹۶ نشان دادند، ضریب فزاینده آنی و تجمعی تا ده فصل و تجمعی بلندمدت تا بیست فصل برای مخارج دولت به ترتیب $۰/۳۰۴$ و $۰/۴۴۵$ است. همچنین، ضریب فزاینده مخارج دولت در دوره رکود برابر با $۰/۸۲۸$ و بزرگ‌تر از ضریب فزاینده دوره رونق، $۰/۱۰۸$ است (Khodavisi & EzzatiShorgoli, 2017).

رافعی و همکاران (۱۳۹۳) در طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۳۸ نشان دادند در بررسی سناریوی سیاست‌های فعال مالی در مقایسه با حالت انفعال مالی، حضور فعال دولت در اقتصاد بی‌ثباتی بیشتر را به همراه دارد. به طوری که با تکانه‌های افزایشی مخارج دولت سطح مخارج مصرفی دولت افزایش و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی کاهش پیدا می‌کند که به دنبال آن سرمایه‌های بخش عمومی به پایین‌تر از سطح با ثبات تنزل می‌یابد. کاهش تولید در این بخش بیکاری را به همراه دارد. بنابراین، بر اساس این پژوهش سیاست صلاح‌دید از سوی دولت در ایران ماهیت ضد ادواری دارد (Rafie, Bahrami, & Daneshjafari, 2014).

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه تنها بخش‌هایی از هدف پژوهش حاضر را در بر دارند. برای مثال، مطالعات هالیه و نینو زارزوا (۲۰۱۸)، اوری‌اوتو و اکاوه (۲۰۱۸)، سلیمی فر و همکاران (۱۳۹۴)، رشیدی خرسند (۱۳۸۹)، حسینی و همکاران (۱۳۸۷) و غیره که به طور اخص به بررسی برخی از فصول امور اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند از مدل‌های خطی بهره جسته‌اند و یا متغیر وابسته در این پژوهش‌ها بیشتر معطوف بر رشد اقتصادی بوده است. در سایر پژوهش‌ها همچون انیسان اکینلو و اولایمی جمیلوی (۲۰۱۸)، موتمنی و همکاران (۱۳۹۸)، خداویسی و عزتی شورگلی (۱۳۹۷) که از مدل‌های غیرخطی استفاده شده هیچ کدام به طور اخص بر روی امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن تمرکز نکرده‌اند. به طور کلی، در هیچ یک از پژوهش‌ها به طور توأم به نقش ادوار تجاری در اثرگذاری غیرخطی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی تمرکز نکرده‌اند. در نهایت، برجسته‌ترین نوآوری پژوهش حاضر آن بوده که در کار شین و همکاران (۲۰۱۴) فرض بر آن بوده که متغیر یا متغیرهای آستانه‌ای که به دو نیم تقسیم شده در طی دوره‌های رکود و رونق دارای اثرات ثابتی هستند. در حالی که، یکی از بارزترین ویژگی‌های اقتصادهای در حال توسعه وجود نوسانات اقتصادی یا به عبارت دیگر دوره‌های رکود و رونق در بطن اقتصاد است. با توجه به اینکه بسیاری از مطالعات این عامل مهم را در اثرگذاری

سیاست‌های دولت در نظر نمی‌گیرند؛ پژوهش حاضر یک قدم فراتر رفته و اثرات شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت را در طی دوره‌های رکود و رونق به شکلی متفاوت فرض کرده و به بررسی آن می‌پردازد. از این رو، پژوهش حاضر از جنبه‌های مختلف دارای نوآوری است.

۴- روش

براساس مطالعه کولی و پرسکات^{۲۲} (۱۹۹۵) اگر یک سری زمانی مشاهده شده x_t را بتوان در قالب مجموع یک جزء نوسانی و یک جزء روند تشریح کرد و اگر a پارامتری باشد که بیان‌کننده واریانس نسبی جزء روند در مقابل نوسان باشد، در این صورت پارامتر مذکور بیانگر چگونگی کنترل همواری مسیر روند است. با معلوم شدن پارامتر a مسئله فیلتر هودریک-پرسکات عبارت است از حداقل کردن مجموع مجذورات T_t ، انحراف متغیر سری زمانی x_t از روند (T) . در واقع، مقادیر روند فیلتر هودریک پرسکات مقادیری هستند که رابطه (۱) را حداقل می‌کند:

$$j = \sum_{t=1}^T (x_t - \tau_{x,t})^2 + a \sum_{t=2}^{T-1} [(\tau_{x,t} - \tau_{T-1})]^2 \quad (1)$$

در رابطه (۱)، T ، تعداد مشاهدات، a پارامتر عامل موزون است که میزان هموار بودن روند را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر براساس فیلتر هودریک-پرسکات تفاوت بین مقدار فیلتر تولید ناخالص داخلی (HPGDP) و مقدار واقعی آن (GDP)، انحراف از روند طبیعی، SEGDP، است.

$$\begin{aligned} SEGDP_t &= GDP_t - HPGDP_t \\ BOOM_t &= \max(0, SEGDP_t) \end{aligned}$$

$$REC_t = \min(SEGDP_t, 0) \quad (2)$$

در رابطه (۲)، REC ، $BOOM$ به ترتیب نشان‌دهنده مقدار انحراف تولید ناخالص داخلی با نفت از روند طبیعی آن در سال‌های رونق و رکود اقتصادی است. حال اگر در الگوی اقتصادسنجی از متغیر موهومی $DUBOOM$ استفاده شود، مقدار آن برای دوران رونق برابر با یک و در شرایط رکود صفر است، اما چنانچه از متغیر موهومی $DUREC$ استفاده شود

²² Cooley, T., & Prescott, E.

مقدار این متغیر برای سال‌های رکود یک و برای سال‌های رونق اقتصادی مقدار صفر است (Rezaeipour & AghaeiAkhondabi, 2011).

پس از استخراج ادوار تجاری برای بررسی اثرات کوتاه‌مدت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر روی رفاه اجتماعی از الگوی خود رگسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی ارائه شده توسط شین و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شده است. این الگو یکی از روش‌های هم‌انباشتگی نامتقارن تلقی می‌شود. در واقع خصوصیات خود رگسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی این اجازه را به ما می‌دهد تا تحلیل مشترکی از مسائل مربوط به نامانایی و غیر خطی بودن در مدل تصحیح خطای نامقید^{۲۳} داشته باشیم. رابطه هم‌انباشتگی خطی مولفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی به صورت رابطه (۳) خواهد بود (Shin, Yu, & Greenwood-Nimmo, 2014):

$$x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^- \quad (3)$$

به نحوی که

$$x_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = 0 \quad x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_j, 0) \quad (4)$$

$$\sum_{j=1}^t \min(\Delta x_j, 0)$$

$Z_t = \beta_0^+ y_t^+ + \beta_0^- y_t^- + \beta_1^+ x_t^+ + \beta_1^- x_t^-$ (۵)
اگر در رابطه (۵) Z_t انباشته از مرتبه $I(0)$ باشد، در این صورت گفته می‌شود که y_t و x_t به صورت نامتقارن هم‌انباشته‌اند. به طوری که اگر $\beta_1^+ = \beta_1^-$ و $\beta_0^+ = \beta_0^-$ باشد، در این صورت هم‌انباشتگی متقارن خواهد بود (Schordert, 2003). حال با در نظر گرفتن مولفه‌های مثبت و منفی که از رابطه (۵) استخراج شده است و وارد کردن آن در یک مدل $ARDL(p, q)$ ، به مدل $NARDL(p, q)$ به صورت زیر خواهیم رسید:

$$y_t = \sum_{j=1}^p \phi_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^q (\theta_j^+ x_{t-j}^+ + \theta_j^- x_{t-j}^-) + \varepsilon_t \quad (6)$$

که در رابطه (۶) p و q تعداد وقفه‌های بهینه، ϕ_j ضرایب وقفه‌های متغیر وابسته، θ_j^+ و θ_j^- ضرایب نامتقارن وقفه‌های متغیر مستقل و ε_t جمله اخلاص با میانگین صفر و واریانس

²³Unrestricted Error Correction Model

ثابت (همسان) است. علاوه بر این، در فرم زیرکه در حقیقت فرم مورد نظر ما می باشد، یک زیر مجموعه از رگسورها نیز به صورت متقارن وارد رابطه شده است:

$$y_t = \beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^- + \lambda_w w_t + u_t \quad (V)$$

در رابطه (V)، $x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^-$ ، یک بردار $k \times 1$ شامل رگسورهای نامتقارن w_t و یک بردار $g \times 1$ شامل رگسورهای متقارن در مدل هستند؛ در نتیجه رابطه (۸) مدل برآوردی نهایی خواهد بود:

$$\Delta y_t = \rho y_{t-1} + \theta^+ x_{t-1}^+ + \theta^- x_{t-1}^- + \theta_w w_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j y_{t-j} + \sum_{i=0}^{q-1} (\varphi_j^+ \Delta x_{t-j}^+ + \varphi_j^- \Delta x_{t-j}^- + \varphi_{w,j} \Delta w_{t-j}) + \varepsilon_t \quad (۸)$$

سپس با استفاده از آزمون استاندارد والد^{۲۴} به بررسی عدم تقارن x_t با آزمون $\theta^+ = \theta^-$ پرداخته می شود.

- ارائه و توصیف مدل

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی ارائه شده از هالیه و نینو زرزوا (۲۰۱۸) و خانزادی و همکاران (۲۰۱۵) در زمینه متغیر رفاه اجتماعی متغیرهای کنترلی مدل ها انتخاب شده است. بنابراین، رابطه (۹) بر اساس رابطه (۸) وهدف تحقیق حاضر برای برآورد مدل اثرات مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری استفاده شده است.

$$\begin{aligned} \log(W) = & \alpha + \beta_0 WL + \beta_1 \log(Other_EXP) + \beta_2 \log(In_t) + \\ & \beta_3 \log(Urban_t) + \beta_4 \log(Open_t) + \beta_5 \log(Literacy_t) + \beta_6 Subsidy_t + \\ & \beta_7 (Shock_{POS} * RECESION)_t + \beta_8 (Shock_{POS} * BOOM)_t + \beta_9 (Shock_{NEG} * \\ & RECESION)_t + \beta_{10} (Shock_{NEG} * BOOM)_t + u_t \end{aligned} \quad (۹)$$

²⁴ wald's Standard Test

جدول ۱. توصیف و منبع جمع آوری داده‌های متغیرهای مورد استفاده در پژوهش
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 1. Description and data collection source of variables used in the research

Source: Research results

منبع اطلاعات	تعریف شاخص/ متغیر	متغیر
محاسبات پژوهش- مرکز آمار ایران و بانک مرکزی	$W = \mu(1 - G)$ μ : میانگین هزینه‌های خانوارهای شهری از مرکز آمار ایران به شاخص قیمت مصرف کننده به قیمت ثابت ۱۳۹۵ G : ضریب جینی	لگاریتم شاخص رفاه اجتماعی آمارتیا سن $Log(W)$
بانک جهانی ^{۲۵}	نسبت جمعیت ساکن در مراکز شهری یک کشور یا منطقه در یک مقطع زمانی معین به کل جمعیت همان کشور یا منطقه در همان مقطع زمانی	لگاریتم نسبت شهرنشینی $Log(Urban)$
بانک مرکزی	شاخص قیمت مصرف کننده به قیمت ثابت ۱۳۹۵	لگاریتم نرخ تورم $Log(In)$
بانک مرکزی	نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد $Log(Open)$
بانک جهانی	درصدی از جمعیت ۱۵ تا ۲۴ سال که قادر به درک، خواندن و نوشتن یک عبارت ساده هستند.	لگاریتم نرخ با سوادگی $Log(Literacy_t)$
وزارت اقتصاد و امور دارایی	امور یا فصول مورد بررسی-کل مخارج دولت	لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول به جزء امور و فصول مورد برآورد $Log(Other_EXP)$
مرکز آمار	مقدار این متغیر از سال ۱۳۸۹ به بعد برابر یک و در سایر سال‌ها، صفر	متغیر مجازی هدفمند سازی یارانه‌ها (Subsidy)
محاسبات پژوهش	$SEGD P_t = GDP_t - HPGDP_t$ $SEGD P_t$: انحراف از روند طبیعی (شکاف تولید)؛ GDP : مقدار واقعی تولید ناخالص داخلی؛ $HPGDP$: نوسانات یا فیلتر تولید ناخالص داخلی	متغیرهای مجازی دوره‌های رونق (Boom) و رکود

		(Recession) رونق: شکاف تولید مثبت رکود: شکاف تولید منفی
محاسبات پژوهش- وزارت اقتصاد و امور دارایی	$X_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \text{Min}(\Delta x_j, 0)$ $X_t^+ \times \text{Recession}$: مقادیر برای دوره‌های رکود برابر با حاصل ضرب اثر تجمعی مثبت تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رونق برابر با صفر است. $X_t^+ \times \text{Boom}$: مقادیر برای دوره‌های رونق برابر با حاصل ضرب اثر تجمعی مثبت تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رکود برابر با صفر است.	اثر شوک های مثبت لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول مورد بررسی در دوره‌های رکود و رونق $\text{Shock}_{POS} * \text{Recession}$ $\text{Shock}_{POS} * \text{Boom}$
محاسبات پژوهش- وزارت اقتصاد و امور دارایی	$X_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = \sum_{j=1}^t \text{Min}(\Delta x_j, 0)$ $X_t^- \times \text{Recession}$: مقادیر برای دوره‌های رکود برابر با حاصل ضرب اثر تجمعی منفی تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رونق برابر با صفر است. $X_t^- \times \text{Boom}$: مقادیر برای دوره‌های رونق برابر با حاصل ضرب اثر تجمعی منفی تغییرات (Δ) مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه در هر سال نسبت به سال قبل و برای رکود برابر با صفر است.	اثر شوک های منفی لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول مورد بررسی در دوره‌های رکود و رونق $\text{Shock}_{POS} * \text{Recesoin}$ $\text{Shock}_{POS} * \text{Boom}$

لازم به ذکر است متغیر، WL ، نشان دهنده یک وقفه برای متغیر رفاه اجتماعی می‌باشد. همچنین، تمامی متغیرها به صورت لگاریتمی در برآوردها لحاظ شده‌اند.

۵- نتایج برآورد مدل‌ها

مدل‌سازی سری‌های زمانی بر فرض پایایی متغیرها استوار است. اگر متغیرها مورد استفاده در مدل، پایا نباشد، برآوردها به یک رگرسیون کاذب منجر می‌شوند. برای بررسی پایایی متغیرها در پژوهش حاضر از آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری استفاده شده است. نتایج این آزمون با در نظر گرفتن عرض از مبدا و روند نشان می‌دهد تمامی متغیرها به جزء شاخص رفاه اجتماعی، نرخ تورم، نرخ شهرنشینی، شاخص درجه باز بودن اقتصاد و نرخ باسوادی در سطح نامانا می‌باشند. این متغیرها نیز با یکبار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند.

جدول ۲. آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 2. Dickey Fuller test with structural failure

Source: Research results

وضعیت مانایی	آماره T با عرض از مبدا و روند		نام متغیر
	یکبار تفاضل-گیری	سطح	
مانا	-	-۶/۱۶۹۱۶۷***	لگاریتم شاخص رفاه اجتماعی
مانا	-۶/۳۳۱۶۶۵***	-۳/۴۰۰۴۵۹	لگاریتم مخارج دولت در امور اجتماعی
مانا	-۱۱/۴۰۷۶۹***	-۴/۶۸۵۱۶۳	لگاریتم مخارج آموزش
مانا	-۷/۱۰۲۲۴۱***	-۵/۰۵۳۴۷۱	لگاریتم مخارج فرهنگی و هنری
مانا	-۶/۷۷۵۰۲۰***	-۴/۶۷۹۱۲۸	لگاریتم مخارج سلامت
مانا	-۶/۳۳۰۳۰۹***	-۲/۷۲۸۲۹۰	لگاریتم مخارج رفاه اجتماعی
مانا	-۶/۶۰۰۷۱۴***	-۴/۱۷۸۶۹۰	لگاریتم مخارج تربیت بدنی
مانا	-۵/۷۸۴۴۹۳***	-۳/۰۰۴۲۳۴	لگاریتم کل مخارج دولت
مانا	-	-۶/۷۶۸۸۳۸***	لگاریتم نرخ تورم
مانا	-	-۶/۲۲۶۴۱۹***	لگاریتم نرخ شهرنشینی
مانا	-	-۵/۰۰۷۱۷۶**	لگاریتم نرخ باسوادی
مانا	-	-۵/۳۵۵۹۳۸***	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد

*** معنادار در سطح ۹۹ درصد ** معنادار در سطح ۹۵ درصد * معنادار در سطح ۹۰ درصد

بر اساس جدول ۲ با توجه به اینکه در الگوها متغیرها در مرتبه‌های متفاوت هم انباشته بوده، در نتیجه از مدل خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های گسترده بهره گرفته شده است.

جدول ۳. ادوار تجاری ایران بر اساس روش فیلتر هودریک پرسکات

مأخذ: نتایج پژوهش

Table 3. Iran's Business Cycles Based on Hodrick Prescott Filter Method

Source: Research results

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸
شکاف	۰/۸۴	۲/۵۳	-۵/۰۶	۱۶/۸۸	-۳/۸۶	-۱۱/۴	-۷/۲۶	-۲۰/۷
دوره	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود
سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
شکاف	-۲/۶۳	۲۴/۶۱	۱۱/۰۹	-۶/۶۳	۲/۲۰	-۹/۹۵	-۵/۶۹	-۶/۹۶
دوره	رکود	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود
سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
شکاف	۳/۴۰	۱۰/۹۳	۸/۷۷	-۵/۶۲	-۲/۳۶	-۴/۶۱	-۱/۰۱	۱/۶۵
دوره	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود	رونق
سال	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شکاف	-۲/۹۸	-۱/۷۶	-۲/۴۷	۱/۲۳	-۲/۶۴	۳/۲۰	۳/۳۷	-۵/۴۰
دوره	رکود	رکود	رکود	رکود	رونق	رکود	رونق	رکود
سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
شکاف	۱/۳۹	۵/۴۶	۵/۹۸	۲/۸۳	-۳/۴۹	-۲/۹۳	۳/۲۴	۱/۰۱
دوره	رونق	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رونق	رونق
سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
شکاف	-۹/۳۶	-۱/۶۶	۲/۱۶	-۲/۲۸	۱۲/۲۶	۴/۱۰	-۴/۲۵	-۴/۵۵
دوره	رکود	رکود	رونق	رکود	رونق	رونق	رکود	رکود

پس از استخراج ادوار تجاری بر اساس فیلتر هودریک پرسکات باید به بررسی متفاوت بودن ضرایب اثرگذاری اجزای مخارج دولت در طی دوره‌های رکود و رونق پرداخت.

جدول ۴. آزمون برابری ضرایب (والد) شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 4. Coefficients equality test of positive and negative shocks of government expenditures during periods of recession and boom

Source: Research results

شوک منفی		شوک مثبت		متغیرهای مخارج دولت
سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری	آماره F	
۰/۰۰۱	۱۱/۹۷۶	۰/۱۳۸	۱/۹۶۴	امور اجتماعی
۰/۰۹۱	۳/۰۳۹	۰/۹۵۸	۰/۰۰۲	آموزش
۰/۰۰۰	۱۲/۰۵۴	۰/۱۱۶	۲/۵۹۹	تربیت بدنی
۰/۴۹۰	۰/۴۸۷	۰/۴۰۵	۰/۷۱۱	فرهنگ و هنر
۰/۰۰۰	۱۳/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۸/۲۵۰	رفاه اجتماعی
۰/۰۰۱	۱۲/۷۵۶	۰/۷۸۱	۰/۰۷۸	سلامت

بر اساس **جدول ۴** چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر مبنی بر برابری ضرایب در دوره رکود و رونق رد می‌شود. به استثناء فصل رفاه اجتماعی در سایر اجزای مخارج دولت اثر شوک‌های مثبت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری ندارند. به استثناء فصول فرهنگ و هنر و آموزش در سایر اجزای مخارج دولت شامل امور اجتماعی و فرهنگی و فصول تربیت بدنی، رفاه اجتماعی و سلامت اثر شوک‌های منفی بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند.

جدول ۵. نتایج برآورد اثرات متغیرهای توضیحی بر رفاه اجتماعی- امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوطه
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 5. Results of estimating the effects of explanatory variables on social welfare - social and cultural affairs and related sub-chapters

Source: Research results

متغیر وابسته: رفاه اجتماعی Log(W)						متغیرهای توضیحی
مدل‌های مربوط به زیر فصول امور اجتماعی و فرهنگی						
سلامت (HG)	رفاه اجتماعی (SWG)	فرهنگ و هنر (C&AG)	تربیت بدنی (PEG)	آموزش (TRG)	امور اجتماعی (S&CAG)	
۰/۴۱۹***	۰/۴۴۲***	۰/۳۴۷***	۰/۳۳۸***	۰/۳۹۵***	۰/۴۱۵**	وقفه اول رفاه (WL)
-۷/۶۰۹**	-۴/۵۹۱***	-۱۰/۲۴۸***	-۸/۹۶۷**	-۸/۰۲۲**	-۱۴/۷۹۵**	عرض از مبدا (α)
-۰/۰۶۹***	-۰/۰۶۸***	-۰/۰۷۳***	-۰/۰۶۸***	-۰/۰۶۹***	-۰/۰۷۶***	لگاریتم نرخ تورم Log(In)
-۲/۶۶۹***	-۲/۰۸۳***	-۲/۵۷۷***	-۳/۴۱۷***	-۲/۸۹۷***	-۲/۷۷۲***	لگاریتم نرخ باسوادی Log(Literacy)
۰/۱۱۱***	۰/۱۱۵***	۰/۰۹۷***	۰/۱۳۲***	۰/۱۱۰***	۰/۲۵۵***	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد Log(Open _t)
۹/۴۸۸***	۶/۹۸۵***	۱۰/۹۶۷***	۱۱/۲۸۰***	۱۰/۰۴۱***	۱۳/۹۳۳***	لگاریتم نرخ شهرنشینی Log(Urban _t)
-۰/۰۰۴	۰/۰۶۰**	۰/۲۲۲**	۰/۰۷۴*	۰/۰۳۷	۰/۱۵۵**	لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول به جز امور یا فصل مربوطه (Other_EXP) Log
۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷*	۰/۰۱۹	۰/۰۳۱**	یارانه‌ها

(Subsidy _t)						
شوکی‌های مثبت در زمان رکود (Shock _{POS} * Recession)	۰/۰۵۱*	۰/۰۲۳**	۰/۰۴۴**	۰/۰۷۲**	۰/۰۷۵**	۰/۰۳۳**
شوکی‌های مثبت در زمان رونق Shock _{POS} * (Boom)	۰/۰۸۱**	۰/۰۲۳**	۰/۰۴۷**	۰/۰۷۹**	۰/۰۹۵**	۰/۰۳۳**
شوکی‌های منفی در زمان رکود (Shock _{NEG} * Recession)	-۰/۰۸۹۵*	۰/۰۲۷*	۰/۰۰۶	۰/۰۲۲*	-۰/۰۷۸	-۰/۰۴۵
شوکی‌های منفی در زمان رونق (Shock _{NEG} * Boom)	-۰/۰۴۶۰**	۰/۰۰۹	۰/۰۱۶	۰/۰۳۰۰*	۰/۰۶۰۲**	-۰/۰۸۴**
روند زمانی (Timetrend)	-۰/۰۶۱***	-۰/۰۴۲***	-۰/۰۴۲***	-۰/۰۴۹***	-۰/۰۴۹***	-۰/۰۴۲***

*** معنادر در سطح ۹۹ درصد، ** معنادر در سطح ۹۵ درصد، * معنادر در سطح ۹۰ درصد

بر اساس جدول ۵ شوکی‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن در دوره‌های رکود و رونق آثار متفاوتی بر رفاه اجتماعی دارند. اثر شوکی‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری به ترتیب مثبت، منفی و معنادر بوده‌اند. همچنین، اثر شوکی کاهنده مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی به ویژه در دوره‌های رکود در مقایسه با شوکی‌های فزاینده تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند.

در فصل آموزش اثر شوکی‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت و به استثناء شوکی کاهنده مخارج دولت در دوره رونق معنادر بوده است. با در نظر گرفتن هر دو دوره رکود و رونق اثر شوکی کاهنده مخارج دولت در فصل آموزش در دوره رکود در مقایسه با سایر شوکی‌ها تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد.

اثر شوک‌های افزایشی مخارج دولت در فصل تربیت بدنی بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. با این حال اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در هر دو دوره رکود و رونق مثبت و غیر معنادار بوده است. این موضوع دو یافته مهم دربردارد. اول، بر اساس انتظار شوک‌های فزاینده، مخارج دولت در فصل تربیت بدنی در مقایسه با شوک‌های کاهنده تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند. دوم، اثر شوک فزاینده مخارج دولت در فصل تربیت بدنی در هر دو دوره رکود و رونق به یک میزان و بیشتر از سایر شوک‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران تاثیر دارند.

در فصل فرهنگ و هنر اثر شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. همچنین، اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت به ویژه در دوره‌های رونق در مقایسه با شوک‌های فزاینده تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارند.

اثر شوک‌های افزایشی مخارج دولت در فصل سلامت بر رفاه اجتماعی در دوره رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. با این حال اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در هر دو دوره رکود و رونق منفی و به استثناء دوره رکود معنادار بوده است. بنابراین، اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت در فصل سلامت به ویژه در دوره‌های رونق در مقایسه با شوک‌های فزاینده تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارند.

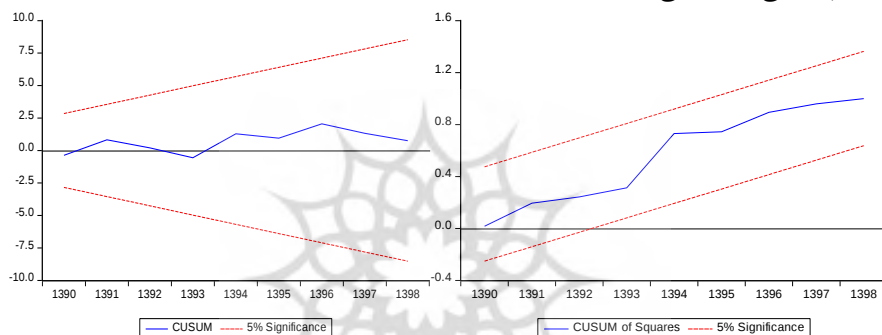
در فصل رفاه اجتماعی اثر شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق به استثناء شوک کاهنده مخارج دولت در دوره رکود مثبت و معنادار بوده است. با درنظر گرفتن هر دو دوره رکود و رونق اثر شوک کاهنده مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی در دوره رونق در مقایسه با سایر شوک‌ها تاثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد. بنابراین، اثرگذاری مخارج دولت در در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن در طی ادوار تجاری نامتقارن است.

ذکر این نکته است که در مدل‌های برآوردی به دلیل ماهیت ادوار تجاری و نقش آن‌ها در اجرای سیاست‌های مالی هدف پژوهش شناخت اثرات کوتاه مدت مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق بوده است. به عبارت دیگر، از آنجا که بودجه به شکل سالیانه تخمین زده می‌شود برای کاهش نوسانات اقتصادی در هر سال باید به نتایج روابط کوتاه مدت در تخصیص منابع مالی دولت توجه شود. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی الگوها رابطه

همجمعی بین متغیرها وجود دارد لزومی به ذکر نتایج بلندمدت و الگوی تصحیح خطا نخواهد بود.

بر اساس نمودار ۳، نمودار ۴، نمودار ۵، نمودار ۶، نمودار ۷، نمودار ۸ نتایج آزمون‌های ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی الگوهای تخمینی نشان می‌دهد، در کلیه مدل‌ها مسیر حرکت بین خطوط مستقیم بوده است. در نتیجه، ضرایب مدل‌ها با ثبات بوده و انحراف از پایداری ضرایب وجود ندارد.

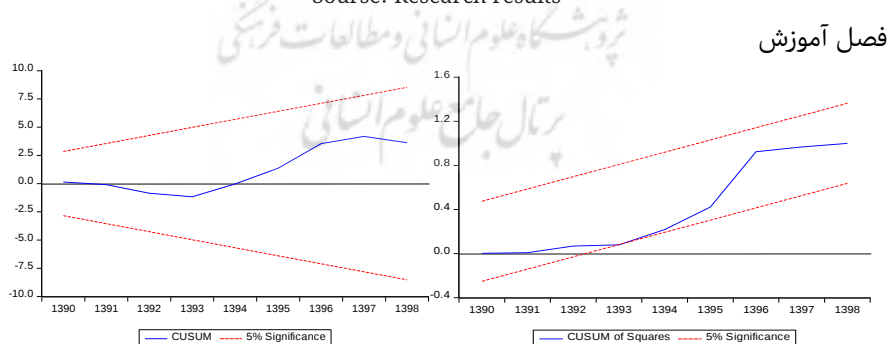
امور اجتماعی و فرهنگی



نمودار ۳. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 3. CUSUM and CUSUMQ tests in the social and cultural affairs

Source: Research results

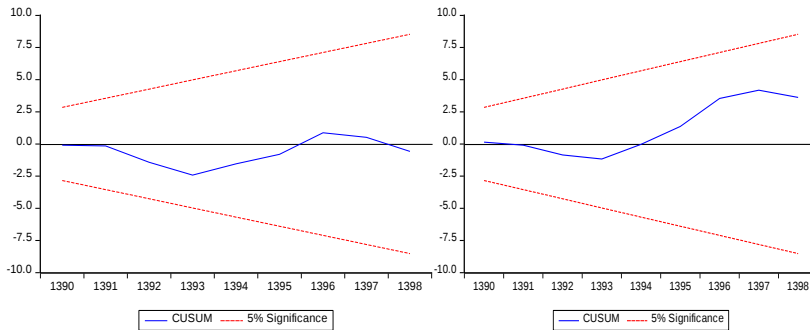


نمودار ۴. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل آموزش
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 4. CUSUM and CUSUMQ tests in the education chapter

Source: Research results

فصل تربیت بدنی

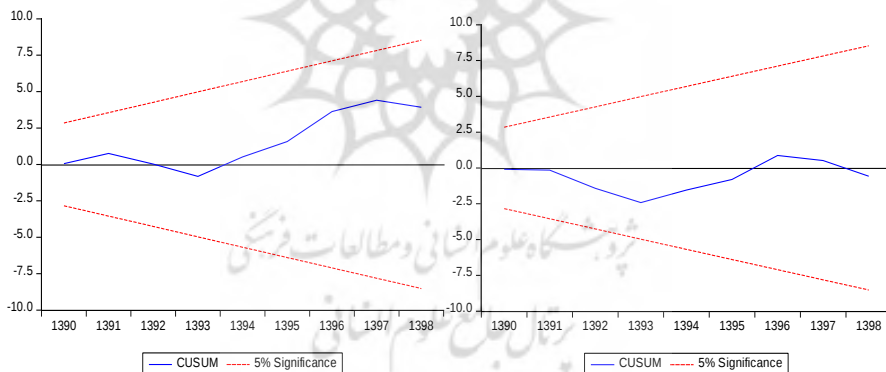


نمودار ۵. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل تربیت بدنی
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 5. CUSUM and CUSUMQ tests in the physical education chapter

Source: Research results

فصل سلامت و بهداشت

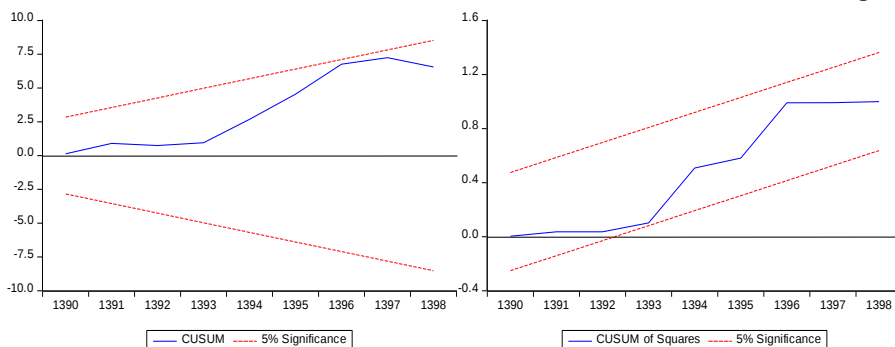


نمودار ۶. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل سلامت و بهداشت
مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 6. CUSUM and CUSUMQ tests in the health chapter

Source: Research results

فصل فرهنگ و هنر



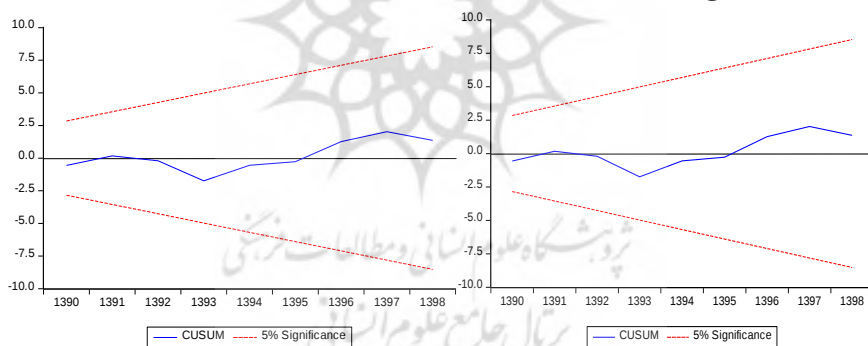
نمودار ۷. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل فرهنگ و هنر

مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 7. CUSUM and CUSUMQ tests in the culture and arts chapter

Source: Research results

فصل رفاه اجتماعی



نمودار ۸. آزمون‌های CUSUM و CUSUMQ در الگوی مربوط به مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی

مأخذ: نتایج پژوهش

Figure 8. CUSUM and CUSUMQ tests in the social welfare chapter

Source: Research results

در کلیه مدل‌های برآوردی اجزای مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری اثرگذاری متغیرهای کنترلی نرخ تورم و نرخ باسوادی بر رفاه اجتماعی منفی و شاخص درجه باز بودن اقتصاد، نرخ شهرنشینی و هدفمندی یارانه‌ها دارای تاثیرات

مثبتی بر روی رفاه اجتماعی بوده‌اند. در ارتباط با مکانیسم تاثیرگذاری متغیر نرخ تورم می‌توان گفت افزایش تورم کاهش قدرت خرید افراد و به تبع آن کاهش مصرف آن‌ها را به دنبال خواهد داشت که این مساله می‌تواند به نوبه خود منجر به کاهش رفاه اجتماعی افراد شود. علاوه بر این، تاثیرگذاری منفی نرخ باسوادی بر روی رفاه اجتماعی حکایت از آن دارد که با وجود افزایش نیروی کار تحصیل کرده در جامعه، بهره‌مندی اقتصاد ایران از این سرمایه بسیار ضعیف و اندک بوده است. شواهد آماری در مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در باسوادان همواره بیشتر از بی‌سوادان بوده است؛ زیرا ایجاد شغل برای باسوادان پرهزینه‌تر و سطح انتظارات شغلی آن‌ها به مراتب بالاتر است. در نتیجه، نیروی انسانی باسواد مشارکت کمتری در بازار کار، تولید ناخالص داخلی و خلق درآمد داشته‌اند. اثرات مطلوب آزادسازی تجاری بر اساس الگوی هکچر- اوهلین و نظریه‌ی استلور ساموئلسون به این امر برمی‌گردد که در ایران، به عنوان یک کشور در حال توسعه فراوانی نیروی کار موجب شده آزادسازی تجاری به نفع این عامل عمل کند. بنابراین، بر اساس این تئوری‌ها انتقال منابع به سمت تولید کالاهای صادراتی کاربر شده که در نتیجه آن تقاضا نیروی کار برای تولید کالاهای صادراتی کاربر در این بخش‌ها منجر به افزایش اشتغال، دستمزدها، کاهش فقر، افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. تاثیر مثبت شهرنشینی بر رفاه اجتماعی بر اساس مرکز آمار ایران مرتبط با این امر بوده که درآمد خانوارهای شهری از روستایی بیشتر بوده و این خود عاملی برای جذب روستا نشینان به نقاط شهری برای دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر و درآمد بیشتر است. متغیر هدفمندی یارانه‌ها در تمامی فصول دارای اثرگذاری مثبت بوده اما نکته حائز اهمیت آن است که در بیشتر این موارد به جزء امور اجتماعی و فرهنگی و فصل تربیت بدنی این اثرگذاری بسیار ناچیز و حتی بی‌معنا بوده است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از مهم ترین وظایف دولت ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقاء سطح زندگی افراد جامعه است، این در حالی است که وجود نوسانات اقتصادی ممکن است اختلالاتی در روند برنامه‌ریزی دولت ایجاد کند. از این رو، دولت در اجراء سیاست‌های مالی خود جهت حداکثرسازی رفاه اجتماعی باید همواره نقش ادوار تجاری را در نظر بگیرد. با توجه به اهمیت اولویت‌بندی بودجه دولت در امور مختلف از جمله امور اجتماعی و فرهنگی و همچنین

نقش ادوار تجاری در تخصیص این منابع، پژوهش حاضر به بررسی اثرگذاری مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و فصول مربوط به آن بر روی شاخص رفاه اجتماعی آمارتیاسن در طی ادوار تجاری اقتصاد ایران برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۵۲ پرداخته است. به این منظور از مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی بهره گرفته شده است.

نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که شوک‌های مثبت مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی، فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت در طی دوره‌های رکود و رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. شوک‌های منفی مخارج دولت نیز در فصول فرهنگ و هنر و آموزش در طی دوره‌های رکود و فصل رفاه اجتماعی در طی دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی به طور معنادار شده‌اند. وجود اثرات مثبت مخارج دولت در شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت در فصول نام برده بیشتر به اثرات فزاینده درآمد کینزی در طی ادوار تجاری برمی‌گردد. مخارج دولت در حوزه‌های نام برده از طریق افزایش سرمایه انسانی، ایجاد فرصت‌های کسب و کار بیشتر و فناوری‌های نوین به افزایش ظرفیت‌ها درآمدی افراد منجر می‌شوند. برای مثال، مخارج دولت در فصل رفاه اجتماعی از جمله نظام تأمین اجتماعی می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری و توان تولیدی، ایجاد احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی و افزایش تمایل انسان به کار می‌شود. اما تفاوت در میزان این اثرگذاری‌ها ناشی از این امر است که تأمین مخارج دولتی از طریق مالیات‌ها (به هنگام کسری بودجه شدید) موجب کاهش میزان درآمد قابل تصرف خانوارها و در نتیجه کاهش اثرگذاری‌های سیاست‌های مالی می‌شود.

شوک منفی مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی در طی ادوار تجاری و در فصل سلامت تنها در دوره‌های رونق موجب کاهش رفاه اجتماعی شده است. کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای در طی ادوار تجاری برای حفظ سطح هزینه‌های جاری (دستمزد، حقوق، هزینه‌های اجتماعی و غیره) که کاهش آن‌ها دشوار بوده و معمولاً به طور دائمی افزایش می‌یابند از جمله عوامل موثر بر واکنش منفی رفاه اجتماعی به تغییرات در هزینه‌های دولت در طی دوره‌های رونق است. به عبارت دیگر، اثر گذاری منفی مخارج دولت در فصل سلامت در طی دوره‌های رونق به این دلیل است که در این نوع مخارج، هزینه‌های سرمایه‌ای دولت کاهش قابل توجهی داشته و دولت تنها توانایی پوشش هزینه‌های جاری را داشته که این امر موجب شده مخارج دولت تأثیرات منفی بر رفاه اجتماعی بر جای بگذارد. همچنین، تشکیل سرمایه‌های ثابت در حوزه سلامت برای مثال

ساخت بیمارستان‌ها و تجهیزات مورد نیاز در این زمینه دارای ماهیت بلندمدت بوده و در طی ادوار تجاری اقتصاد که ماهیت کوتاه مدت دارد با اثرات ناچیز و یا حتی منفی بر روی رفاه همراه خواهد بود. همچنین، ماهیت مخارج بهداشتی دولت در ایران بیشتر مصرفی بوده است. این امر موجب شده در دوره‌های رونق ماهیت این نوع مخارج موجب کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و اثرگذاری منفی آن بر رفاه شود. اثرات برونرانی در حوزه سلامت می‌تواند عامل دیگر اثرگذاری منفی مخارج دولت در بخش سلامت در طی دوره‌های رونق باشد. سایر دلایل عمده اثرات غیرمولد مخارج بهداشتی و سلامت دولت و در نتیجه شکل-گیری رفتار موافق ادواری در ارتباط با نوسان‌های بالای پایه‌های مالیاتی، بخش غیررسمی بزرگ در اقتصاد ایران و همچنین مشکلات متعدد در زمینه عرضه اعتبار می‌باشد.

همچنین، نتایج شوک مثبت مخارج دولت حکایت از آن دارد که فصول آموزش، تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت تنها در دوره‌های رونق دارای اثرگذاری بیشتر بر روی رفاه اجتماعی هستند. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن شوک منفی مخارج دولت فصل آموزش دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رکود و فصول تربیت بدنی، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی و سلامت دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر روی رفاه اجتماعی هستند. بنابراین، مخارج دولت در امور اجتماعی و فرهنگی و زیر فصول مربوط به آن دارای رفتاری نامتقارن بر روی رفاه اجتماعی هستند. عواملی همچون، نهادهای سیاسی-اقتصادی ضعیف، عدم نظارت کافی در اجرای سیاست‌های مالی، حاکم بودن بروکراسی، وجود وقفه، وابستگی به درآمدهای نفتی، بازارهای ناکافی سرمایه موجب شکل‌گیری این نوع رفتارها هستند.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود در صورتی که دولت در پی اعمال یک شوک مثبت در مخارج خود باشد جهت کاهش نوسانات و افزایش رفاه اجتماعی باید مخارج اجتماعی و فرهنگی خود را بر اساس اولویت به ترتیب صرف فصول رفاه اجتماعی، فرهنگ و هنر، تربیت بدنی، سلامت و آموزش در طی دوره‌های رکود و رونق کند. همچنین، در صورتی که دولت در پی اعمال یک شوک منفی در مخارج خود باشد جهت کاهش نوسانات و افزایش رفاه اجتماعی باید مخارج اجتماعی و فرهنگی خود را بر اساس اولویت به ترتیب در طی دوره‌های رکود صرف فصول فرهنگ و هنر و آموزش و در طی دوره‌های رونق به ترتیب اولویت بندی صرف فصول رفاه اجتماعی و فرهنگ و هنر نماید.

Acknowledgments: The authors would like to acknowledge the valuable comments and suggestions of the reviewers, which have improved the quality of this paper.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

- Addison, T., Niño-Zarazúa, M., & Tarp, F. (2015). Aid, Social Policy, and Development. *WIDER Working Paper*, No.061.
- Agenor, P. R. (2002). *Does Globalization Hurt the Poor?* The World Bank. Washington DC.
- Ahmadvand, N., Alizadeh, M., Fotros, M. H., & Delfan, M. (2020). Achieving the optimal share of government expenditures in GDP with the aim of maximizing social welfare (with emphasis on the affairs and seasons of the state budget). *Journal of social welfare*. 20(79), 153-195. [in Persian]
- Ambia, A. N., & Sujarwoto, N. I. (2018). Infrastructure Expenditure and Poverty Reduction in Indonesia. *Rjoas*, 34(76), 40-51.
- Asghar, N., Hussain, Z., & Rehman, H. U. (2012). The Impact of Government Spending on Poverty Reduction: Evidence from Pakistan 1972 to 2008. *African Journal of Business Management*, 6(3), 845-853.
- Ashrafi, Y., Salimifar, M., Adeli, M., & Tavaklian, H. (2018). Investigating the Effect of Government Expenditure on Welfare in Iran: Application of Stochastic Dynamic General Equilibrium Patterns. *Journal of Economic Research and Policy*, 85(26), 33-82. [in Persian]
- Bulir, A. (2001). Income Inequality: Does Inflation Matter? *IMF Working Paper*, 48(1).
- Claus, I., Martinez-Vazquez, J., & Vulovic, V. (2012). *Government Fiscal Policies and Redistribution in Asian Countries*. Asian Development Bank.
- Doepke, M., & Zilibotti, F. (2013). Culture, Entrepreneurship, and Growth. *NBER Working Paper*, No.654.

- Enisan Akinlo, A., Olayemi Jemiluyi. O. (2018). Government Expenditure and Economic Growth Nexus in Nigeria: Evidence from Nonlinear ARDL and Causality Approaches. *EvIEWS of Innovation and Competitiveness*, 4 (2), 5-25.
- Furceri, D., & Zdzienicka, A. (2010). The Effects of Social Spending On Economic Activity: Empirical Evidence from A Panel of OECD Countries. *OECD Economics Department Working Papers*, No.770, 771-730.
- Ghaffari, G., & Omid, R. (2011). *Quality of Life: Social Development Index*. Tehran: Shirazeh Publishing. [in Persian]
- Ghasemi, M., & Mohajeri, P. (2015). Investigating the cyclical behavior of fiscal policy in Iran. *Journal of Economic Research*, 15(56), 75-104. [in Persian]
- Gholami, E., & Hozhabr Kiani, K. (2014). Evaluating of the Business Cycle Status in Iran and its Impact on the Effectiveness of Fiscal Stimulus Programs and Investment. *Journal of Investment Knowledge*, 3(12), 271-253. [in Persian]
- Granado, D., Arze, G. J., & Hajdenberg, A. (2013). *Is Social Spending Pro Cyclical? Evidence for Developing Countries*. World Development.
- Hafner, M., Yerushalmi, E., Phillips, W. D., Pollard, J., Deshpande, A., Whitmore, M., VanStolk, C. (2019). *The economic benefits of a more physically active population: An international analysis*. RAND Corporation. Santa Monica.
- Haghverdi, F. (2009). Radio and its impact on the economy of society. *The specialized scientific monthly of the Voice of the Islamic Republic of Iran*, 10(59), 98-92. [in Persian]
- Haile, F., & Nino-Zarazua, M. (2018). Dose Social Spending Improve Welfare in Low-Income and Middle Income Countries? *Journal of International Development*, 30, 367-398.
- Hosseini, S. M., Abdi, A., Gheibi, A., & Fadaei, I. (2008). ombination of budgets and budgets and general government budget chapters. *Journal of Economic Research and Policy*, 16(48), 37-63. [in Persian]
- Hulme, D., Hanlon, J., & Barrientos, A. (2012). *Just Give Money To The Poor: The Development Revolution From The Global South*. Kumarian Press.

- Ilker, U. M. (2018). The Effect of Government Social Spending on Income. Inequality in OECD: A Panel Data Analysis. *International Journal of Economics Politics Humanities and Social Sciences*, 1(3), 185-202.
- Ionu, J. (2018). The Impact of Government Health and Education Expenditure on Income Inequality in EU. *Theoretical and Applied Economics, Special Issue*, 122-133.
- izadi, M. , Shakeri Hosein Abad, A. , A. Milani, M. and Mohammadi,, T. (2023). The Formation of Bubble Price in the Stock Market and Its effect on the Iran Business Cycles. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 20(2), 72-99. doi: 10.22055/jqe.2021.37190.2371 [in Persian]
- Janson, P., Mango, N., Krishna, A., Rademy, M., & Johnson, N. (2009). Understanding Poverty Dynamics in Kenya. *Journal of International Development*.
- Joharji, G., & Starr, M. (2011). Fiscal Policy and Growth in Saudi Arabia. *Review of Middle East Economics and Finance*, 6(3), 24-45.
- Khanzadi, A., Fattahi, S., & Moradi, S. (2015). Investigating the effects of government health expenditures on human development in Iran. *Journal of Economics and Modeling*, 7(25), 130-149. [in Persian]
- Khodavisi, H., & EzzatiShorgoli, A. (2017). Estimation of Fiscal Policy Growth in Iranian Economy: Application of Structural Vector Autoregression and Markov Switching Models. *Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 19(4), 77-109. [in Persian]
- Knight, J., & Sabot, R.H. (1983). Educational Expansion and the Kuznets Effect. *American Economic Review*, 73(5), 1132-1136.
- Lindert, K. (2002). *Survey of Social Assistance in OECD Countries*. World Bank.
- Lucas, R. E. (1988). On the Mechanic of Economic Development. *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.
- Makyian, S.N., Samadi, A.H., & Amareh, J. (2022). Investigating the Cyclical Status of Monetary, Financial Policies in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 18(4), 67-92. [in Persian]
- MCCulloch, N., Winter, L., & Cirera, X. (2003). *Trade Liberalisation and Poverty: A Handbook*. Centre for Economic Policy Research.
- Minhaj, S., & Nishat, M. (2018). *Impact of Government's Spending on the Welfare in Pakistan Economy*. Institute of Business Administration. Karachi.

- Motameni, M., Jafari Samimi, A., & Zaroki, Sh. (2020). Testing Okun's Law in Iran: New Evidence with Nonlinear ARDL Approach. *Journal of Macro Economic* 14 (27), 122-147. [in Persian]
- Noll, H. H. (2002). *Social Indicators And Quality Of Life Research: Background, Achievements And Current Trends*. Advances In Sociological Knowledge Over Half A Century. International Social Science Council. Paris.
- Odior, E. S. (2014). Government Over met Averment Expenditure on Education and Poverty Reduction: Implications for Achieving the MDGS in Nigeria a Computable General Equilibrium Micro-Simulation Analyses. *Asian Economic and Financial Review*, 4(2), 150-172.
- ODonnell, O., vanDoorslaer, E., & vanOurti, T. (2013). Health and Inequality. *Discussion Paper*, No.432.
- Omodero, C. O. (2019). Government Sectoral Expenditure and Poverty Alleviation in Nigeria. *Research in World Economy*, 10(1), 80-90.
- Oriavwote, E., & Ukwae, A. (2018). Government Expenditure and Poverty Reduction in Nigeria. *Journal of Economics and Public Finance*, 34(2), 156-163.
- Pena, J. B. (1977). Problemas de la medición del bienestar y conceptos afines (Una aplicación al caso español). *INE*, No.345.
- Rafie, M., Bahrami, J., & Daneshjafari, D. (2014). Evaluation of Fiscal Policy for Iran's Economy in a Stochastic Dynamic General Equilibrium Model Based on Real Business Cycles. *Quarterly Journal of Economic Research*, 14(54), 33-65. [in Persian]
- RashidiKhorsand, A. H. (2010). *Analysis of the composition of government expenditure components and its impact on economic growth; With emphasis on the affairs and chapters of the general government budget (1976-2003)*. (Master Thesis). University of Tehran. [in Persian]
- Rezaeipour, M., & AghaeiAkhondabi, M. (2011). Where government spending is on the actual consumption of the private sector. *Journal of Economic Research and Policy*, 19(60), 139-160. [in Persian]
- Saedi Sarkhanlou, A., & Dargahi, H. (2021). Determinants of Government Budget Deficit in the Economy of Iran Emphasizing the Economic and Political Economic Factors. *The Journal of Planning and Budgeting*, 26(1), 5-32. [in Persian]

- Salehnia, N., Dehnavi, J., & Haghnejad, A. (2010). Role of Culture in Economy Development. *Engineering Cultural Monthly*, 4(43&44), 79-66. [in Persian]
- Salimifar, M., Davoodi, A., & Arabi, A. (2015). Investigating the Impact of Government Budget Composition on Welfare Indicators in Iran. *Economic Strategy Quarterly*, 3(12), 180-153. [in Persian]
- Samadi, A. H., & OjiMehr, S. (2012). Investigating the Factors Affecting the Consistent Behavior of Fiscal Policy with Emphasis on Oil Price Fluctuation: A Case Study of Iran (1987-2003). *Iranian Journal of Economic Research*, 9(18), 29-57. [in Persian]
- Scheil-Adlung, X., Asfaw, A., Booysen, F., Lamiraud, K., Juetting, J., Xu, K., & Muchiri, S. (2006). *What Is The Impact Of Social Health Protection On Access To Health Care, Health Expenditure And Impoverishment: A Comparative Analysis Of Three African Countries*. WHO. Geneva.
- Schorderet, Y. (2003). *Asymmetric Co Integration: Revisiting Okun's Law: An Hysteretic Perspective*. University of California San Diego, Mimeo.
- ShamsAldini, A., & Gorjian, P. (2010). Factors affecting the migration of villagers to cities, with emphasis on the migration network (Case: Rostam Do village). *Human Settlement Planning Studies (Geographical Landscape)*, 5(11), 87-105. [in Persian]
- Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M. (2014). *Modelling Asymmetric Co Integration and Dynamic Multipliers in a Nonlinear ARDL Framework*. Springer. New York.
- Sourya, K., Sainasinh, S., & Onphanhdla, P. (2018). Public Spending, Aid Effectiveness and Poverty Reduction in Lao PDR. *Journal of International Cooperation Studies*, 21(2&3), 163-186.
- Tinbergen, J. (1991). On the measurement of welfare. *Journal of Econometrics*, 50(3), 7-15.
- WorldBank. (1990). *Poverty In The Midst Of Plenty, The Challenge Of Growth With Inclusion*. A World Bank Poverty Assessment. Washing, D.C. Nigeria.
- YolcuKaradam, D., Yildirim, J., & Öcal, N. (2016). Military expenditure and economic growth in Middle Eastern countries and Turkey: a non-linear panel data approach. *Defense and Peace Economics*, 1(1), 345-356.
- Zaer, A., & Gholami, E. (2008). Investigating the effects of fiscal policies on macroeconomic variables in Iran using the VAR model. *Journal of Taxation and Development*, 5(1). [in Persian]

- Zarei, Z., Ebrahimi., I, & Hematy, M.(2019). The Effects of Government Current and Development Expenditures on Private Sector Consumption Expenditures in Business Cycles Quarterly, *Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 16 (3), 1-31. [in Persian]
- Zarzosa-Espina, P., & Somarriba-Arechavala, N. (2012). An Assessment of Social Welfare in Spain: Territorial Analysis Using a Synthetic Welfare Indicator. *Social Indicators Research* .

